

پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل گوران در شهرستان اسلام آباد غرب (شاه‌آباد سابق)

چکیده

استان کرمانشاه واقع در غرب ایران، از منظر باستان‌شناختی و تاریخی، یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌رود. در تعدادی از شهرستان‌های استان کرمانشاه، از جمله اسلام آباد غرب، سرپل ذهاب و کرند غرب، سنگ قبرهایی به یادگار مانده است که، نشان دهنده فرهنگی مشابه و متعلق به ایل گوران در این مناطق است. نکته جالب توجه آن که، بر روی سنگ گورهای این منطقه، تصاویر مختلفی اعم از نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و نیز ابزار و ادوات دیده می‌شوند که، فرهنگ و جهان بینی مردمان این منطقه را بازتاب می‌دهند. نقوش سنگ مزارهای تاریخی ایل گوران کرمانشاه، بازتاب جایگاه اجتماعی و فردی متوفی، در جامعه ایلی و روستایی زمان خود بوده است؛ میان خصایل نیکوی انسان خفته در گور و نقوش سنگ مزارها رابطه‌ای مستقیم، وجود دارد که بازماندگان، با برپا داشتن این سمبل‌ها، آن خصایل نیکوی را یادآور می‌شدند. این گورستان‌ها، متعلق به سده دوازده تا چهارده هجری قمری، یعنی، دوران زند، قاجار و پهلوی هستند. این تحقیق، به روش میدانی و استفاده از منابع مکتوب و مقایسه آن، با قبرهای مناطق دیگر انجام شده است. در این مقاله، سعی شد علاوه بر معرفی محوطه‌های مذکور، به بررسی و مطالعه نقوش سنگ قبرها نیز پرداخته شود و با سایر سنگ قبرهای مشابه و معاصر قبرستان‌های شهرستان ابدانان در استان ایلام، قبرستان دارالسلام در استان فارس و با قبرستان شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان، مقایسه مختصر صورت گیرد.

فرید احمدزاده

(نویسنده‌مسئول)

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه
تهران، تهران، ایران

Email: Fa.ahmadzadeh@ut.ac.ir

سید هاشم حسینی

عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی،
دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

Email: Hashemhoseyny@gmail.com

حامید نورسی

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی
اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان

Email: hamidnorasi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

واژگان کلیدی: اسلام آباد غرب، گورستان، سنگ قبور، نقوش تزیینی، ایل گوران

مقدمه

گورها و گورستان‌ها، بیش از آن که مکانی برای تدفین و به خاک سپردن مردگان باشند، بخش مهمی از اندیشه و زندگی زندگان را به خود مربوط می‌سازند. آثار بر جای مانده از کهن‌ترین گورها نشان می‌دهند که، آداب و آیین خاک سپاری از گذشته‌های دور تا امروز، در زندگی بشر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. آن چنان که، یکی از راه‌های شناخت آداب دینی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر قوم یا سرزمین، پی بردن به شیوه‌های خاک سپاری و آیین‌های مربوط به آن است. به طوری که، بسیاری از دانسته‌های امروز ما از نحوه زندگی گذشتگان، در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناسان از درون گورها یا آثار بر جای مانده آرامگاه‌ها، دخمه‌ها و نقش‌کنده‌های روی آن‌ها است. آثار به جا مانده در دل سنگ، چون کلامی خاموش، گنجینه هنر گذشتگان را معرفی می‌کند؛ نقوشی که، سرآغاز نوعی معرفت از تاریخ هنر و تمدن جهان در بستر هنرهای مختلف بوده است، تا جایی که، سرچشمه اصلی آن‌ها، بسیار مبهم و اسرار آمیز جلوه می‌کند. نقوش گیاهی مانند گل نیلوفر و درختانی چون نخل، انگور و از همه مشهودتر درخت سرو، نقوش انسانی و حیوانی (بز، گاو، پرنده، اسب و ...)، و طرح‌ها و نقش‌های مشترک بین انسان و حیوان، باورهای قومی را در فرم‌های ناب حجاری و کتابت سنگ مزار، معرفی می‌کند و از این رو، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

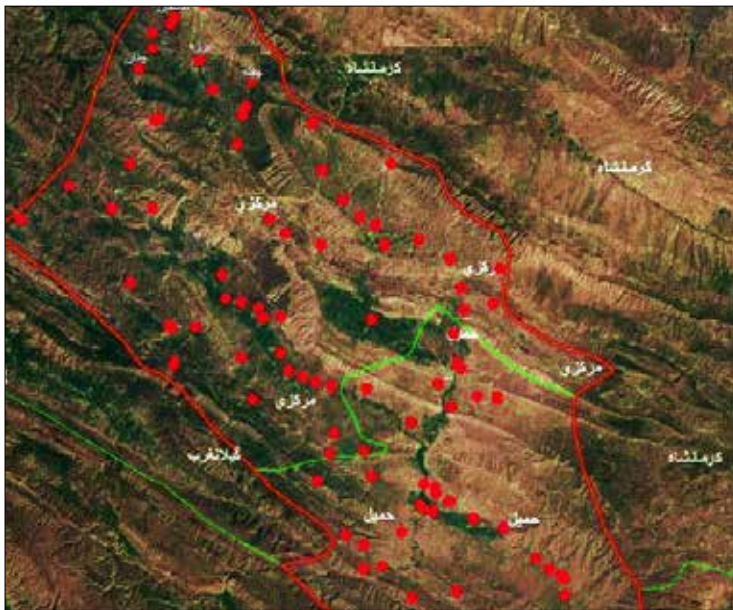
در این مقاله، در پی معرفی و شناسایی گوشه‌هایی از فرهنگ این منطقه مهجور هستیم. محوطه‌های مورد بررسی شامل سنگ‌قبرهای چهار گورستان شهرستان اسلام آباد غرب، در روستاهای (برزه،^۲ چفته،^۳ عاشقان و چنار^۴) مربوط به دوران متأخر اسلامی است، سنگ‌قبرهای مربوطه در گورستان‌های نامبرده، به مرور زمان، به دلیل بی‌توجهی مردم منطقه و آب و هوای سرد منطقه در فصل زمستان، دچار آسیب دیدگی شده و یا کاملاً از بین رفته‌اند. ما در هر گورستان، شاهد تعداد محدودی از سنگ‌قبرهای سالم هستیم. بنابراین، نمونه‌های محدود مورد مطالعه در پژوهش را از روی آثار موجود و سالم گورستان، انتخاب کرده‌ایم. به نظر می‌رسد گورستان‌های مذکور، مربوط به جوامع سیار هستند. روی برخی از گورها، تصاویری اعم از انسانی، حیوانی، گیاهی

و نیز ابزار و ادوات دیده می‌شوند که نشان از دلبستگی‌ها و دغدغه‌های مردمان ساکن این نواحی دارند. نکته جالب توجه آن که، تصاویر حک شده بر گورها، با تصاویر گورهای معاصر در سایر مناطق ایران، بسیار متفاوت است. در این راستا، به بررسی و مقایسه سنگ‌قبر این منطقه با چندین سنگ‌قبر گورستان معاصر و مشابه در سایر نقاط ایران پرداخته‌ایم. امید است، پژوهش‌های تطبیقی میان این تصاویر و فرهنگ شفاهی (اعم از باورها، اندیشه‌ها و افسانه‌ها)، راه‌گشای فهم و درک بیش‌تر فرهنگ پیشینیان این منطقه باشد.

گورستان‌های نامبرده، در محدوده دو ایل بزرگ گوران و کلهر در شهرستان اسلام آباد غرب است. ایل گوران از ایل‌های بزرگ ایران در استان کرمانشاه است، مردم آن، به زبان کردی (گویش گورانی) سخن می‌گویند؛ ایل گوران، شامل مناطق گسترده‌ای از استان کرمانشاه (سرپل ذهاب، قصر شیرین، اسلام آباد غرب و کرند غرب) است (سعدیان، ۱۳۷۷: ۱۶۳). ایل کلهر، بزرگ‌ترین ایل کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران می‌باشد. مردمان آن، کردتبار هستند (یوردشاهیان، ۱۳۸۰: ۱۷۴) و به گویش کردی کلهری، تکلم می‌کنند. محدوده اصلی ایل کلهر، گیلان غرب و اسلام آباد غرب است.

پیشینه پژوهش

به لحاظ سابقه تحقیق، در مورد سنگ‌مزارها و مضامین و نقوش تزیینی آن‌ها می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد: «شانه‌شناسی نقوش سنگ‌های قبرستان دارالسلام شیراز» نوشته جواد پویان و مژگان خلیلی (۱۳۸۹)، «بررسی سنگ‌نشته‌های تاریخی شهرستان یزد (سنگ قبور قرون ۵-۱۳) با تأکید بر ویژگی‌های گرافیکی آن» نوشته صداقت جباری کلخوران و محمد رضا خیبری (۱۳۸۹)، «سنگ‌مزارها از پنجره مردم‌شناسی هنر» نوشته پدram خسرو نژاد (۱۳۷۷)، آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه تبریز» نوشته محمد باقر کبیر صابر (۱۳۹۱)، «مزار پیرمراد، منظر فرهنگی-آیینی شهرستان بانه» نوشته فرنوش مخلص، احمد علی فرزین و شهره جوادی (۱۳۹۲)، «معرفی و بررسی باستان‌شناختی نقوش قبرها در گورستان اسلامی بخش مرکزی شهرستان آبدانان» نوشته مهسا فیضی و نسیم فیضی (۱۳۹۲)،



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی قبرستان‌های روستایی اسلام‌آباد غرب (Google earth : 1396).



تصویر ۱. سنگ قبر گورستان برزه، با نقوش حیوانی، هندسی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۲. سنگ قبر گورستان برزه، با نقوش هندسی و تزیین وانسانی کتیبه‌ای (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۴. سنگ قبر گورستان چفته، با نقوش هندسی حیوانی و انسانی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۳. سنگ قبر گورستان چفته، با نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی (مأخذ: نگارندگان).

– غربی می‌باشند. بعضی از قبرها، دارای سنگ‌های نوشته با تاریخ، نقشها و مضامین خاص هستند.
تصویر ۱: سنگ گور برافراشته (بالاسر)، مرد جنگجو سوار بر اسب در حال رزم، با شیر که در مرکز سنگ قبر قرار گرفته است. مرد سوار بر اسب با یک دست نیزه و با دست دیگرش افسار را گرفته و در حال مبارزه با شیر است؛ چهار چوب سنگ قبر با نقوش هندسی (چلیپایی) حجاری شده و نمای خاصی را به سنگ داده است.
تصویر ۲: سنگ قبر برافراشته، تمام سطح آن را با خط بسیار ساده، کتیبه نگاری نموده‌اند. اشکال ساده هندسی، شامل

«سنگ مزارهای ایران» نوشته هوشنگ پور کریم (۱۳۴۲) و... لازم به ذکر است، تاکنون، هیچ‌گونه مطالعه و گزارشی در خصوص نقوش سنگ قبرهای ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب، منتشر نشده است. با این حال، پژوهش حاضر، نخستین گامی است که، جهت معرفی و شناسایی نقوش سنگ قبرهای گورستان‌های شهرستان اسلام‌آباد در استان کرمانشاه، در دوره متأخر، برداشته می‌شود.
۱- **گورستان روستای برزه:** محوطه‌ای گورستانی متعلق به دوره اسلامی است. بر اساس آثار سطحی (سنگ قبرها و نیز جهت قبرها) جهت همه گورهای این گورستان، شرقی

تفنگ، شمشیر و سپر. در قسمت فوقانی سنگ قبر، نقش سه زن مشاهده می‌شود که، در حال رقص محلی هستند، زوایای سنگ قبر را نقوش هندسی دربر گرفته است.

تصویر ۴: سنگ گور (ایستاده) مرد شکارچی همراه با نقوش صحنه‌هایی از زندگی، مرد جنگجو با نیزه‌ای بر دست و سوار بر اسب در حال حرکت، جلوی اسب، شخصی ایستاده، انگار سوار را راهنمایی می‌کند. در قسمت پایین سنگ، نقوش گیاهی چهار پر، مشاهده می‌شود و در کنار آن‌ها، افرادی در حال رقص و صحبت کردن هستند. نقوش هندسی در سطح سنگ، حک شده است.

۳- گورستان روستای عاشقان: گورهایی با سنگ قبرهای متنوع دارد. ارتفاع بعضی از سنگ قبرهای عمودی شکل، بیش از دو متر است. بر روی تعدادی از سنگ قبرها این قبرستان نقوش صلیبی شکل خاصی حجاری شده است. دور تا دور بعضی از سنگ قبرها، لاشه‌های سنگی ریز و درشت، به صورت دستچین گذاشته شده است. جهت قبرها، شمال شرقی - جنوب غربی هستند.

تصویر ۵: سنگ قبر ایستاده، با نقوش درختی کهن سال که در دو طرف آن، نقش دو بز کوهی، قرار گرفته است. در قسمت انتهایی سنگ قبر، نقش چهار زن بالباس دامن مانند، حکاکی شده - که مشغول صحبت هستند - مشاهده می‌شود. مرکز سنگ را نقوش درخت، دربر گرفته و چهار چوب آن، با نقوش هندسی چلیپا تزیین شده است.

تصویر ۶: سنگ قبور ایستاده و تخت در قالب ابعاد بزرگ و کوچک، همراه با نقوش هندسی، حیوانی و انسانی. از ادوات

هشت کادر مستطیل شکل که داخل هر یک نوشته‌ای با مضامین مذهبی - دینی به کار رفته است.

۲- گورستان روستای چفته: قبرها با ساختار سنگچین ساده در جهت شمال شرقی - جنوب غربی هستند و کمی به سمت شرق، انحراف دارند. بنابراین، به روشنی، نشان از سنت‌های تدفینی دوره اسلامی دارند. تمامی گورها، سه سنگ قبر دارند، دو تا ایستاده، و یکی تخت همراه با نقوش حجاری که روی قبر را پوشانده است.

تصویر ۳: سنگ قبر بر افراشته، با نقش یک اسب همراه با



تصویر ۵: سنگ قبر گورستان عاشقان، با نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۷: سنگ قبر گورستان چنار، با نقوش هندسی، گیاهی و تزیین کتیبه‌ای (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۶: سنگ قبر گورستان عاشقان، با نقوش هندسی، حیوانی و انسانی با تزیین کتیبه‌ای (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۱: شناسنامه کامل گورستان‌های مورد مطالعه در پژوهش (ماخذ: نگارندگان).

| نمونه‌ها | نوع گورستان | نوع مذهب | قدمت | طراحی سنگ قبور | خطوط و آرایش | نقوش سنگ قبور | اشکال سنگ قبر | نحوه استقرار قبور |
|----------------|-------------|--------------|--------------------|----------------|------------------------------|---------------------------------|---------------|-------------------|
| گورستان برزه | روستایی | اسلام - شیعه | زنده - قاجار-پهلوی | تکنیک حجاری | ساده (عربی - فارسی) | گیاهی - هندسی - حیوانی - انسانی | هندسی | ایستاده - خوابیده |
| گورستان چفته | روستایی | اسلام - شیعه | قاجار - پهلوی | تکنیک حجاری | ترکیبی - ساده (عربی - فارسی) | گیاهی - هندسی - حیوانی - انسانی | هندسی - گیاهی | ایستاده - خوابیده |
| گورستان عاشقان | روستایی | اسلام - شیعه | قاجار - پهلوی | تکنیک حجاری | ترکیبی - ساده (عربی - فارسی) | گیاهی - هندسی - حیوانی - انسانی | هندسی - گیاهی | ایستاده - خوابیده |
| گورستان چنار | روستایی | اسلام - شیعه | زنده - قاجار-پهلوی | تکنیک حجاری | ترکیبی - ساده (عربی - فارسی) | گیاهی - هندسی - حیوانی - انسانی | هندسی | ایستاده - خوابیده |

مضامین عرفانی، چون این مصرع از حافظ: «دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند» و مضامینی در ارتباط با مرگ، مانند بیش تر گورستان‌ها به چشم می‌خورد. از آنجا که، تراشندگان سنگ مزارها، سواد نداشتند، معمولاً، شخصی با سواد نوشته‌ها را بر روی سنگ، مشخص می‌نمود؛ حجاران همچون نقشی تصویری، آن را بر سنگ نقر می‌کردند. به همین علت، بیش تر نوشته‌ها حالتی ناخوانا دارند. اما در مواردی هم، نمونه‌هایی با خط نستعلیق بسیار زیبا و ظریف در گورستان‌های روستای عاشقان مشاهده می‌شود.

استادکاران و حجاران سنگ مزارهای تاریخی گوران: با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته، می‌توان حداقل نام دو استادکار و سنگ تراش را در منطقه گوران ذکر کرد. نام و امضای آنان، روی چند نمونه سنگ مزار، قابل تشخیص است. این دو حجار «استاد عباسعلی» و «استاد پیرعلی» هستند. با ذکر کلمه «عمل...» در قسمت فوقانی یا در بخش تحتانی سنگ مزارها، نام خود را به عنوان استادکاران و سازندگان این آثار برای آیندگان ثبت نموده‌اند. نام استاد پیرعلی و استاد عباسعلی بر سنگ مزارهای گورستان روستاها، قابل مشاهده است. سنگ مزارهایی که، به قلم استاد عباسعلی تراشیده شده‌اند، به نسبت آثار استاد پیرعلی، ظرافت بیش تر و نقوش زیباتری دارند. در حالی که، بیش تر سنگ مزارهای نوشتاری، از استاد پیرعلی به جا مانده است. با توجه به تاریخ سنگ قبور، استاد عباسعلی، در نیمه اول سده چهاردهم قمری می‌زیسته است؛ اما تاریخ مشخصی بر سنگ مزارهایی که استاد پیرعلی تراشیده است، یافت نشد.

قدمت سنگ مزارهای منطقه یگوران: قدمت سنگ مزارهای تاریخی منطقه گوران را می‌توان بر اساس دوروش کلی تعیین

روزمره زندگی گرفته تا کتیبه نگاری با مضامین، هندسی، گیاهی و مذهبی - دینی مشاهده می‌شود. ابعاد و اندازه سنگ قبور ایستاده روستای عاشقان نزدیک به دو متر است و در ادبیات محلی، به اسم کیل مشهور است.

۴- گورستان روستای چنار: گورهایی با سنگ قبرهای متنوع دارد. ارتفاع بعضی از سنگ قبرهای عمودی شکل، بیش از دو متر است. بر روی تعدادی از سنگ قبرها این قبرستان نقوش صلیبی شکل خاصی، همانند قبرستان عاشقان حجاری شده است. جهت اکثر گورهای گورستان شرقی - غربی با کمی انحراف به طرف محور شمالی می‌باشد. بعضی از قبرها دارای سنگ نوشته‌هایی با مضامین خاص هستند. تاریخ آن، متعلق به حداقل دو قرن پیش است (تصویر شماره ۷).

نوشته‌های سنگ مزارهای تاریخی منطقه گوران: متن در سنگ مزارها، معمولاً، روی «سردل» و «سند» ۵، نوشته می‌شود. روی سردل معمولاً، مشخصات متوفی - که شامل نام، نام پدر، ایل و طایفه و سال مرگ می‌باشد - حک می‌شود. البته، در مواردی این اطلاعات، روی سند نیز وجود دارد. اما عموماً، روی سردل نگاشته می‌شوند. معمولاً، روی سندها، نوشته‌هایی درباره مرگ، اسماء متبرکه و آیات قرآن مشاهده می‌شود. این نوشته‌ها به زبان فارسی و یا عربی هستند. از نوشته‌های عربی - که در موارد فراوانی بر سنگ مزارها مشاهده می‌شود - می‌توان به نوشته‌هایی چون «بسم الله الرحمن الرحیم»، «یا الله - یا محمد - یا علی»، «لا اله الا الله»، «هو الله تعالی»، اسامی پنج تن و آیه‌هایی چون «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» (الفرقان: ۵۸)، «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (الانبياء: ۳۵) و «تَصْرُّ مِنْ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (الصف: ۱۳) اشاره نمود (تصویر ۲). در متن‌های فارسی، اشعاری با

شانه دوسر، برای زنان و شانه یک سر، برای مردان، بارزترین نشانه آراستگی بود.

- نشانه‌های میهمان نوازی: از آنجا که، در میان عشایر، پذیرایی از مهمان، یکی از ارزش‌های پایدار زندگی محسوب می‌شود، مردان و زنانی محبوب ایل و طایفه هستند که، با خوشرویی و سفره‌ای باز، پذیرای میهمانان باشند. در ادبیات شفاهی آن‌ها، بیت‌ها و اصطلاحات بسیاری وجود دارند که، در تمجید و تعریف از این افراد، به کار برده می‌شوند، مانند:

هر گری خاصه در مالی وازه

وه زوان شیرین میوان نوازه

(آن پسری خوب است که در خانه‌اش باز است و با زبانی شیرین مهمان نوازی می‌کند)

در روزگاری که هنوز، سلسله مراتب ایلی دستخوش تغییرات امروزی نشده بود، خوانین و بزرگان ایمل و طایفه، برای پذیرایی از میهمانان، سیاه چادر مخصوص داشتند که به آن «دبوه خان» می‌گفتند؛ در این مکان، غلامان و خدمتکاران با آدابی خاص از میهمانان پذیرایی می‌کردند. هنگامی که، چنین افرادی از طایفه و ایل می‌مردند، مادر، خواهر، همسر و زنان خانواده، با یاد و خاطره میهمان نوازی‌های عزیز از دست رفته خود، مویه سر می‌دادند و مویه‌گویان، برای بزرگ و عزیز از دست رفته خود می‌خواندند:

بیلا سر توپلت ار خرمانت بو

گل گل بگلران شو میمانت بو

(بگذار ستون خانه‌ات در خرمن جاییت باشد تا گروه

گروه بزرگان مهمان تو باشند)

شست و شوی دستان میهمان در خانه، بی‌آن که، میهمان از جای خود برخیزد، از جمله آداب مهمان نوازی عشایر گرد، به حساب می‌آید. هنوز این آداب، نزد مردم روستاها و عشایر کوچ‌رو، پایدار است؛ برای احترام گذاردن به میهمان، از ظرفی چون آفتابه و لگن برای شستشوی دست میهمانان استفاده می‌کنند که این نقوش را در سنگ مزارهای گوران، می‌توان باز یافت.

- نشانه‌های اشیاء و ابزار: در میان نقوش سنگ مزارهای گوران، می‌توان انواع وسایل و ابزار مورد استفاده در زندگی روزمره مردم عشایر و روستانشین را شناسایی کرد. از

نمود. یک، مطالعه در پیشینه طوایف ساکن در جغرافیای منطقه و بررسی‌های تاریخی جابجایی جوامع کوچ‌نشین در آن ناحیه، دو، با استناد به خود سنگ مزارها و رجوع به تاریخ‌های نوشته شده بر این سنگ‌ها. در هر دو روش تعیین قدمت این سنگ‌گورها، تقریباً می‌توان به نتایج مشابه دست یافت. در میان بیش از بیست مورد سنگ مزار - که تاریخ آن‌ها، قابل تشخیص بود - قدیمی‌ترین نمونه‌ها، اواسط سده دوازدهم هجری قمری را نشان می‌دهند و متأخرترین نمونه‌ها، متعلق به اواسط سده چهاردهم هجری قمری هستند. یعنی، حداکثر قدمتی که، برای سنگ مزارها تعیین شده است، حدود سیصد سال است. آخرین نمونه‌ها در حدود یکصد سال پیش تولید شده‌اند.

انواع نگرش در سنگ‌مزارهای تاریخی گوران: با تعمق در نشانه‌های تصویری سنگ‌مزارهای تاریخی منطقه گوران نشین، پی می‌بریم که، فرهنگ مردمی و باورهای عامیانه آن‌ها، در شکل‌گیری تصاویر نقش به‌سزایی داشته است. تأکید نقاشان عامیانه، همواره بر اندیشه جمعی، استوار است؛ این ویژگی، از خصایص هنر قومی محسوب می‌شود. هنر عامه، یعنی تجلی ذوق و فکر و احساس انسان عامی، به‌صورت آثار هنری، بدون هیچ تکلف و در نهایت ساده‌اندیشی. منظور از ساده‌اندیشی، کم‌یابی ارزش بودن آن نیست، بلکه مطلوب همان دید مجرد و بی‌آلایش افراد بومی است. این هنر، بر واقع‌گرایی و بی‌پیرایگی و اندیشه جمعی، استوار است. عوام، هنر را دریند نمی‌کنند، سبکی را بر سبکی رجحان نمی‌دهند. گاهی، طبیعت‌گرا هستند، زمانی واقع‌گرا. گاهی، به تمثیل و استعاره و رمز و اشاره، مقصود خود را عنوان می‌کنند. هنر مردمی از زندگی جدا نیست. بلکه بافته شده، در متن اصلی زندگی است. با توجه به کارکرد هنر عامیانه در سنگ‌مزارهای تاریخی منطقه گوران، نقوش این سنگ‌مزارها را از جهت موضوع و محتوا، می‌توان به چند دسته اصلی: نقوش روزمره، نقوش حماسی و پهلوانی، نقوش سوگ و سوگواری و نقوش نمادین و اسطوره‌ای تقسیم‌بندی کرد.

نقوش روزمره

- نشانه‌های پاکی و آراستگی: شانه، آینه و قیچی از شاخص‌ترین نقوشی بودند که، حک شدن آن‌ها، روی سنگ‌گورها، نشانه پاکی و آراستگی متوفی بود. اما در میان آن‌ها،

کنده شده روی سنگ گورها، تصاویری نمادین از رفتارها و ویژگی‌های اجتماعی افراد، در زمان حیاتشان بودند. گذشته از این که، نقوش حجاری شده، متأثر از رفتار و موقعیت اجتماعی افراد متوفی بوده‌اند، به گونه‌ای نیز از ادبیات محلی ایل گوران - در بازه زمانی زنده تا پهلوی - در شهرستان اسلام آباد غرب، تأثیر پذیرفته‌اند و تصاویری از مویه‌ها را تداعی می‌کنند که به ذکر چند نمونه از آن‌ها می‌پردازیم:

اسپت رشه‌دار خوت چو قره‌قش

داخ ارا سالار توپچی لشکر کُش

(اسبت سیاه و خودت همچون باز شکاری، دریغ و درد برای

سالار توپچی لشکر کش)

یه اسب کیه‌ها وه زینه‌وه

قطار پر شنگ وشک خوینه‌وه

(این اسب کیست که آماده به زین است و خون بر روی قطار

فشنگ‌هایش خشک بسته است)



ب

تصویر ۹. سنگ قبرهای ایل گوران: الف) نقوش صحنه زنان در سوگواری؛ ب) نقوش سوار کاری و شکار (مأخذ: نگارندگان).

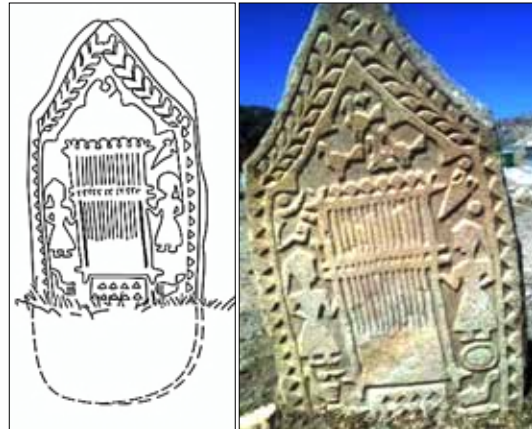


الف

نقوش سوگ و سوگواری

در برخی از سنگ گورها، تصاویری دیده می‌شوند که، از مراسم سنتی سوگواری (چَمَر، پِرسه)،^۷ صحنه‌هایی را نشان می‌دهند. سنگ تراش، این صحنه‌ها را با الهام از واقعیت‌های زندگی حجاری کرده است. صحنه زنانی که، در حال خراشیدن روی خود هستند؛ دسته‌ای از زنان که، با در دست گرفتن نواری از سیاه چادر، به «دس چمر» یا نوعی رقص مرگ، مشغولند، همه بر اساس همین واقعیت‌های جاری

متداول‌ترین این نقوش، تصویر «دارقالی» یا در اصطلاح بومی، «تُون»^۶ است که، به وفور، روی سنگ گور زنان مشاهده می‌شود و نشانگر هنرمندی زنان ایل گوران، در بافت انواع قالی و دستبافت‌های دیگر است.



تصویر ۸. سنگ قبر ایل گوران، با نقوش زنان و بافت قالی (دارقالی) (مأخذ: نگارندگان).

نقوش حماسی و پهلوانی

نشانه‌های جنگاوری، شجاعت، سوار کاری و شکار: از دیگر اشیای به کار رفته در نقوش سنگ مزارهای تاریخی گوران، می‌توان انواع سلاح، مانند تفنگ، شمشیر، نیزه، سپر و گرز را نام برد، که نشان جنگاوری و یار و همراه همیشگی مردان ایل در کارزار نبرد، برای دفاع از حریم ایل و مرزهای وطن بودند و به هنگام مرگ یکی از نام‌آوران ایل، در کنار اسب تزیین شده وی، شاهدی بر دلوری‌ها و قهرمانی‌های او، در طول حیاتش بودند. این نقش‌ها، بیانگر روزگار زندگی مردانی است که، در دلیری، بی‌باکی، شجاعت، جنگاوری، سوار کاری، گذشت و جوانمردی در میان ایل و طایفه کم نظیر بوده‌اند؛ همچون قهرمانان شاهنامه، زندگی را بر گرده اسب می‌گذراندند و در جنگ‌ها و نبردها یکه‌تاز میدان بوده‌اند. نقش اسب و سوار در یک طرف سنگ گور و اسب بی‌سوار کتل شده (تزیین یا سیاه‌پوش کردن اسب متوفی)، در طرف دیگر، نشانی است از زندگی و مراسم سوگواری یک سوار کار جنگجو. نقش تیر و کمان و سوار کار همراه با سپر و نیزه یا تفنگ در حین شکار بز کوهی، نشانی است از گور یک شکارچی جنگاور. نقش سوار کار با تفنگ، همراه با چند مرد تفنگچی ایستاده یا در حال شکار، نشانی است از گور یک میرشکار. نقش‌های

تصاویر، به نحوی با اعتقادات جاودانگی روح، ارتباط دارد و بدون شک، این تصاویر، تحت تاثیر عقاید مذهبی و روایات و باورهای فرهنگی آن جامعه قرار گرفته است» (فقیه میرزایی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲۵). رمز پردازی یا نمادگرایی از ابزارهای هنرمندان کهن، برای بیان مفاهیم است و در فراسوی مرزهای ارتباطی جای دارد. در ادامه، به بررسی نقوش و نمادهای به کار رفته روی سنگ نوشته‌ها می‌پردازیم. نقوش گیاهی و نقوش حیوانی، در بسیاری از سنگ قبرها، جلوه ویژه‌ای دارند، از نمونه‌های نقوش گیاهی سنگ قبور ایل گوران، میتوان به انواع درخت (سرو) با شاخ و برگهای درشت تزیین شده، اشاره کرد که، به زیبایی سنگ قبرها افزوده است. از دورترین ایام، تصویر مثالی درخت، به مثابه آیین تمام نمای انسان و ژرف‌ترین خواسته‌های او بوده است. این تصویر مثالی، زاینده انبوهی رمز است، که در شاخه‌های بسیاری گسترش می‌یابد

زندگی، نقش شده‌اند. نقوش صحنه رقص دسته جمعی مردان یا زنان (هَلپَر که)^۸ - که معمولاً، در قسمت انتهایی برخی از سنگ گورها کنده شده‌اند - نمادی هستند از جوان بودن و مرگ نابهنگام متوفی، که بر روی سنگ گورهای افراد صاحب نام، حجاری شده‌اند. نقوش‌های یاد شده، پیش از آن که، صحنه‌های سوگواری را نشان دهند، نمادهایی هستند که، غم و اندوه بازماندگان را به نمایش می‌گذارند.

نقوش نمادین واسطوره‌ای هنرمندان همیشه، مترصد بهانه و توجیه فلسفی کارهای خویش هستند؛ برای مردمی کردن آثار خود و رابطه میان هنر خود و عقاید دینی، از تصاویر و خطوط کمک می‌گیرند، نوک قلم را بر سنگ بی‌جان می‌کشند و روح و طراوت به آن می‌بخشند. نقوش سنگ قبرهای ایل گوران را می‌توان به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد، که به نظر می‌رسد، «این

جدول ۲: نقش مایه‌های روی سنگ قبرهای ایل گوران بسیار متنوع است. بنابراین، جهت شناخت و تحلیل بهتر به دسته‌های زیر تقسیم‌بندی می‌شوند: (ماخذ: نگارندگان).

| | | |
|----|--|--|
| ۱ | نقوش انسانی | ۱- تصویر مردانی تمام رخ، که دست در دست یکدیگر انداخته‌اند؛ ۲- تصویری مردی سوار بر اسب در مرکز نقش، به همراه مردانی که تمام رخ، در یک ردیف ایستاده‌اند؛ ۳- تصویر مردان و زنان در کنار یکدیگر در حال برگزاری مراسم؛ ۴- تصویر چندین زن ایستاده در کنار هم، به همراه تصویرهایی از بز کوهی، گوزن و شیر. |
| ۲ | نقوش حیوانی | عمده تصاویر حیوانی قبرهای ایل کلهر، مربوط به بز کوهی، گوزن، اسب و شیر می‌باشد. |
| ۳ | نقوش گیاهی | نقوش گیاهی متنوعی روی سنگ قبرها، نقش بسته است از جمله: سرو، لوتوس، شاخه‌های گل گندم و برگ‌های سوزنی شکل. |
| ۴ | نقوش ابزار و ادوات | ابزارها و ادوات روی قبرهای سنگی کرمانشاه، فراوان و بسیار متنوع هستند. به طور کلی، این تصاویر عبارتند از: تفنگ، نیزه، قلیان، مهر و تسبیح، گلاب پاش، کاسه و کلاه ... |
| ۵ | تزیین کتیبه‌ای | کتیبه‌های روی سنگ قبرها، عموماً به خط ثلث و نستعلیق و چاوی مطالب زیر است. ۱- اسماء مقدس و آیات قرآنی در بالای سنگ قبر نظیر (بالله - یا محمد - یا علی) و (وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ)؛ ۲- معرفی شخص متوفی (نام، نام پدر، نام طایفه، تاریخ فوت)؛ ۳- نام حجاران و خطاطان و ... |
| ۶- | طراحی نمونه نقوش سنگ قبرهای اسلام آباد غرب (شاه آباد سابق) |  |

گاه به صورت گروهی یا فردی به تصویر کشیده شده‌اند. این امر به هیچ وجه در قبرهای دارالسلام شیراز و حتی در قبرهای مشابه و هم زمان در دلیجان (استان مرکزی)، مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد دلیل این امر، به روحیات و شرایط زندگی و هنجارهای حاکم بر جوامع ایلی، به صورت سیار و یکجانشین، در این دوره بر می‌گردد.

در قبرستان دارالسلام شیراز، کتیبه‌های سنگ قبرها بسیار متنوع تر و پرکارتر از قبرهای اسلام آباد، آبدانان و کوهدشت هستند. روی قبرهای شیراز، علاوه بر آیات قرآنی، نام متوفی و نام پدر وی، ابیاتی از اشعار فارسی و هم چنین تاریخ مرگ، به چشم می‌خورد. در حالی که، در قبرهای اسلام آباد، آبدانان و کوهدشت، کتیبه‌ها بسیار ساده‌تر هستند و تعداد اندکی از گورها تاریخ دارند. به طور کلی، در شیراز، تمرکز هنرمند، بیش تر بر خطاطی و تجملی کردن آن بوده است؛ در حالی که، در اسلام آباد، هنرمند، بیش تر بر تصاویر و مفهوم بخشیدن به آنها، تأکید داشته است.

در قبرهای ایل گوران و سایر قبرستان‌های مورد مقایسه، تصاویر مربوط به حیوانات بسیار غنی و متنوع است؛ به عنوان مثال، بر روی قبرهای ایل گوران، تصویر بزکوهی، گوزن و اسب روی بیش تر قبرهای مردان و زنان مشاهده می‌شود و عنصر جدایی ناپذیر موضوع‌های تصویری روی قبرهای این منطقه می‌باشد. از سویی، با توجه به ادبیات عامه مردم ایلات و عشایر، حیوان‌هایی مانند بزکوهی، گوزن و شیر همواره، جایگاه مهمی در حوادث مهم زندگی افراد -مانند شکار و جریان‌های دیگری- دارند و گواهی بر شجاعت و دلیری جامعه ایلی هستند.

تصاویر مربوط به ادوات و اشیای متفرقه روی قبرهای شهرستان اسلام آباد کرمانشاه، بسیار کم رنگ تر از سایر قبرهای مورد مقایسه، در پژوهش می‌باشند؛ از لحاظ ادوات و اشیای متفرقه، قبرهای دارالسلام شیراز و کوهدشت لرستان، بسیار غنی تر و متنوع تر هستند. برخی از محققان، دست‌های از نقوش ابزار و ادوات را نشانه‌هایی دال بر جنسیت یا شغل شخص متوفی می‌دانند. مثلاً، برخی، تصویر شانه را مربوط به قبرهای زنان و نشانه جنسیت متوفی می‌دانند یا تصویر قیچی را گواهی بر آرایشگر بودن یا خیاط بودن شخص متوفی می‌دانند (پویان و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۴). در حالی

و در بستر اساطیر، ادیان، هنرها و ادبیات تمدن‌های گوناگون شکل و معنا می‌گیرند. «در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی تحرکی، نمادی از تولد و رشد و تکامل و به طور کلی، زندگی دانسته شده و جلوه‌های قدسی یافته است، درخت، صورت مثالی زندگی و نماد تطور و نوشدگی است» (غنی نژاد، ۱۳۷۹: ۴۶). نقوش حیوانی، از جمله نقوش دیگری است که روی سنگ قبور این منطقه دیده می‌شود، نقش حیوانات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: (۱) چهارپایان؛ (۲) آبیان؛ (۳) پرندگان. از نقوش جانوری -که بیش تر جلب توجه می‌کند- می‌توان به نقش مایه اسب اشاره کرد. تصویر اسب با سوار در حال انجام حرفه، و یا در کنار نقوش اشیاء و ابزار، و یا به تنهایی، در سنگ قبور این گورستان‌ها، تصویر گردیده است. این حیوان، پیش از اسلام و در اساطیر، متون کهن دینی، شاهنامه و فرهنگ بومی منطقه، نقشی بسیار ارزشمند و مورد ستایش داشته است. به غیر از استفاده رایج آن، مانند حمل و نقل و شکار، کارکردهای آیینی، اقتصادی، رزمی، بزمی، تزیینی و تشریفاتی نیز داشته است.

مقایسه نقوش سنگ قبرهای ایل گوران اسلام آباد با سنگ قبرهای گورستان دارالسلام شیراز، آبدانان ایلام و کوهدشت لرستان

در طی بررسی و مطالعه نقوش سنگ قبرهای ایل گوران اسلام آباد، برای ارزیابی و شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های نقوش سنگ قبرهای ایل گوران نسبت به سایر مناطق ایران -که متعلق به دوره اسلامی متأخر هستند- مقایسه مختصری با سنگ قبرهای گورستان دارالسلام شیراز و آبدانان ایلام و کوهدشت لرستان صورت گرفته است. در ادامه، به مقایسه نقوش گورستان‌های مورد نظر در پژوهش می‌پردازیم. یکی از مهم ترین تفاوت‌ها و شباهت‌ها، میان نقوش قبرستان‌ها، مربوط به تصاویر انسانی می‌باشد. روی قبرهای ایلی گوران اسلام آباد، آبدانان ایلام و کوهدشت لرستان، بیش ترین تصویر مربوط به نقوش انسانی است؛ چنانچه این امر، در قبرستان دارالسلام شیراز صدق نمی‌کند؛ در اسلام آباد، آبدانان و کوهدشت نقوش انسانی، در صدد بیان موضوعی مربوط به زندگی دنیوی فرد متوفی می‌باشد. همچنین به وفور، نقش زانی با موی بلند به چشم می‌خورد که گاه در کنار مردان و

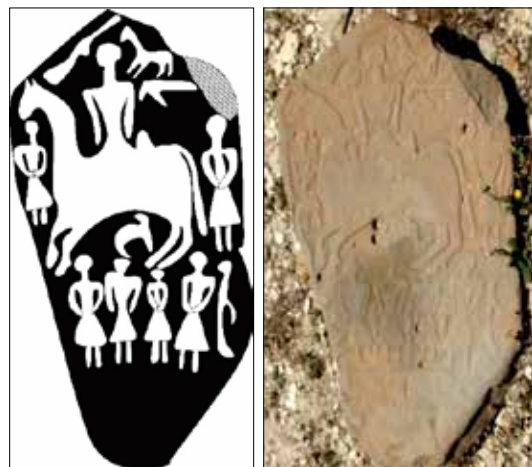
بحث و تحلیل

در روند بازنمایی نقوش سنگ مزارهای تاریخی ایل گوران اسلام آباد کرمانشاه، شاهد تکرار سنت‌های تصویری تمدن‌های باستانی موجود در این منطقه هستیم. سرزمین زاگرس میانی و غرب فلات ایران، از هزاره سوم پیش از میلاد تا آغاز دوران تاریخی، شاهد حضور اقوام گوتی، لولوبی، کاسی، مانا و سپس ماد بوده است؛ هر یک به نوبه خود، منشاء تحولات فرهنگی و تاریخی بوده‌اند که گاهی، بر تمدن‌های اطراف خود تأثیر گذاشته و زمانی متأثر از آن‌ها بوده‌اند. آنچه کمابیش و در طول قرن‌ها، در میان این اقوام ثابت مانده است، دسته‌ای از سنت‌های تصویری «به عنوان مثال، ملکه آشوری یا آنوبانی در شهر سرپل ذهاب، از قدیمی‌ترین سنگ نبشته‌های ایران با قدمتی حدوداً ۴۸۰۰ سال است» (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۲)، در بازنمایی دنیای پیرامون بوده است که پس از گذشت هزاران سال، شاهد حضور آن‌ها، در نقوش سنگ مزارهای تاریخی ایلگوران هستیم. بیان نمادین، انتزاع نگاری، ساده‌سازی تصاویر و توجه به عناصر کلیدی موضوع، بازنمایی قراردادی پیکر انسان-چنان که سر و پاها، همیشه از نمای نیم‌رخ و بدن، از نمای روبرو نشان داده می‌شود- و تا حدودی طبیعت‌پردازی در تصویر حیوانات را می‌توان سنت‌های شاخص تصویری، در این سرزمین به شمار آورد. همچنین، ادامه حضور نقشمایه‌هایی چون چلیپا، خورشید، نقوش هندسی، حیواناتی چون بز کوهی، اسب، شیر و نقوش گیاهی، شاهدی دیگر از امتداد سنت‌های تصویری

که، به نظر می‌رسد چنین تفاسیری، بدون به کار بردن پژوهش‌های جامعه‌شناسی یا بدون دانش کافی از فرهنگ عامه مردم منطقه، درست نیست؛ زیرا تصویر شانه هم‌روی قبرهای مردان و هم‌زنان دیده می‌شود؛ اما به دو شکل متفاوت حک شده است. در قبر مردان تصویر شانه، به صورت شانه‌ای ساده و یک‌طرفه است؛ در حالی که، شانه‌های هم‌روی قبر زنان دو طرفه هستند. مورد دیگر، تصویر قلیان است که، روی قبرهای مردان و زنان ترسیم شده است. این رویکرد، در مورد چند شیء دیگر با کاربرد نامعلوم نیز صادق است. به نظر می‌رسد، دلیل ترسیم این اشکال - حداقل در اسلام آباد - چیزی بیش از نشان دادن جنسیت فرد باشد. شاید یک دلیل احتمالی، برای ترسیم این تصاویر، نشان دادن دلبستگی‌های فرد، یادآوری یک خاطره از دوران حیات متوفی، اعم از شجاعت، حادثه، ... یا القای یک ویژگی فردی او به بازماندگان باشد؛ مثلاً، اکنون نیز تصویر مهر و تسبیح را به عنوان نشانه‌ای بر تقوای متوفی، روی قبرها حک میکنند. در قبرستان دارالسلام و کوه‌دشت لرستان، نسبت به سایر قبرستان‌های مورد مقایسه-اسلام آباد و آبدانان ایلام- تصویر تنگ به وفور، روی قبرهای مردان حک شده است. تصاویر گیاهی روی قبرهای ایل گوران، آبدانان و کوه‌دشت، بسیار اندک و تنها محدود به چند مورد (گل لاله و گل سنبل به شکل گندم) است. در حالی که، در قبرستان دارالسلام شیراز، کاربرد وسیع نقوش گیاهی به ویژه، درخت سرو، به صورت برجسته روی قبرها به چشم می‌خورد.



تصویر ۱۱. سنگ قبر کوه‌دشت لرستان، با نقوش هندسی، انسانی و حیوانی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۱۰. سنگ قبر آبدانان ایلام، با نقوش هندسی، انسانی و حیوانی (فیضی، ۱۳۹۲: ۵۷).



تصویر ۱۲. سنگ قبر دارالسلام شیراز، با نقوش گیاهی و تزیین کتیبه‌ای (مأخذ: نگارندگان)



افراد یا چیزهای مورد تکریم و احترام در جامعه‌ای ویژه و از خاستگاه آن افراد یا چیزها سخن می‌گوید. شناخت اسطوره، به معنی شناخت اصل چیزها و دانستن چگونگی پیدایی آن‌هاست که گاهی، از طریق برپایی مراسم بیان می‌شود. بیان نمادین و اسطوره، در نقوش سنگ مزارهای تاریخی گوران، جایگاهی ویژه دارد و بی‌گمان راوی تاریخ و فرهنگ کهن این مردمان است. نقوشی چون شیر و خورشید، شکار گوزن به دست شیر، چلیپاها، نقوش گیاهان، که نمادی از باروری، زایش و زیبایی بودند و اشکال تجریدی دیگر را می‌توان در این دسته‌بندی قرار داد.

میان خصایل نیکوی انسان خفته در گور و کیل، سنگی تراش خورده یا سنگ مزارهای منقوش به نقوش حماسی و اسطوره‌ای، رابطه‌ای وجود داشت که این رابطه را بازماندگان، با برپا داشتن این سمبل، یادآور می‌شدند. خاطره حضور چنین انسانی با برپایی سمبلی برای نسل‌های بعد، گوشزد می‌شد، تا بازماندگان در هنگام لزوم، با تکرار این خصایص، جامعه را از خمود و سستی و یک‌دستی مصون نگه دارند. نمادها در فرهنگ بشری، به عنوان زبانی قراردادی و رسانه‌ای کهن، برای ارتباط و انتقال مفاهیم به کار می‌رفتند، و معانی مورد نظر را با زبانی مشترک بیان می‌کردند. آن‌چنان‌که، در فرهنگ‌های کهن و اساطیری، برای هر یک از خصایص غیر مادی، نمادی را بر می‌گزیدند؛ کیل‌ها، نیز به عنوان نماد برترین خصایل انسانی از دیدگاه انسان گرد، و تنها برای کسانی که، ویژگی‌های خاص و تعریف شده‌ای داشتند- به کار گرفته می‌شد. گردها، نیز چون سایر ملل دیرسال، در ادامه همان سنت کهن، برای مردان و زنانی که بزرگ‌منشی و سلحشوری، وجه غالب

هزاران ساله، در سنگ مزارهای تاریخی منطقه اسلام آباد غرب است.

تدفین و معماری وابسته به آن در ایران، دارای سابقه‌ای دیرینه است؛ اما تاریخ دقیق استفاده از سنگ قبر، برای شناسایی فرد مدفون در ایران، امری نامشخص است؛ تا بعد از اسلام، هیچ سند و مدرکی دال بر چگونگی آغاز به کار گذاشتن سنگ بر قبر وجود ندارد (تناولی، ۱۳۸۸: ۷). در قرن چهارم، برای بزرگداشت افراد، سنگ قبوری ساخته شده است، تا یاد و خاطره آن‌ها برای بازماندگان باقی بماند. این سنگ قبور، دارای مضامینی نظیر آیات قرآن، نام و سال متوفی است و محتوای تزیینات آن‌ها، ارتباط تنگاتنگی با شخصیت افراد دفن شده دارد (جباری کلخوران و خیبری، ۱۳۸۹: ۶۲). بر اساس مطالعات پژوهشگران، هریک از این سنگ قبور، متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی به نقوش تزیینی مزین شده‌اند. نقوش با مضامین دینی، دارای کتیبه نگاری آیات قرآنی و احادیث الهی است؛ نقوش غیردینی، بیان‌کننده تفکرات شخص متوفی، شغل، فرهنگ و طبقه اجتماعی وی بوده است که در قالب نقوش سمبلیک، همچون نقوش حیوانی، هندسی، خوشنویسی و حتی نقوش انسانی به تصویر کشیده شده‌اند؛ ویژگی‌های عام سنگ مزارها، حکایت از نحوه استقرار و شکل و پیکره آن‌ها، نوع حجاری و پرداخت سنگ، نوشتار و آرایش خطوط، نقوش و اشکال و مفاهیم نهفته در تصاویر دارد (خسرونژاد، ۱۳۷۷: ۲۴). همان‌طور که می‌دانید، مراسم و آیین‌های مربوط به مردگان و چگونگی برخورد با شخص مرده، از رسومی هستند که، همیشه باعث ایجاد باورهای نمادین و اسطوره‌ای شده‌اند. روایت اسطوره‌ای، سرگذشتی قدسی و مینوی است، و از

شخصیت‌شان بود، از نمادهایی چون شیر، کل^۱ و سوار شکست‌ناپذیر استفاده می‌کردند. در جامعه‌ای که سلحشوری و جوان‌مردی، نیکوترین صفات مردمانش محسوب می‌شد، نمادی لازم بود، تا آن‌کس که، در زندگی توانسته، خود را به این معیارهای پسندیده جامعه، نزدیک کند، از دیگران باز شناخته شود. این سنگ برافراشته - که مملو از نقوش حماسی، اساطیری و آرمانی بود - تبلور صفات والای انسانی جوامع زاگرس نشین بود، نه زینتی بر گور مردگان؛ هیبتی برای جامعه زندگان محسوب می‌شد. در گورستان هر طایفه و آبادی، بر پای بودن چنین نمادی، مایه فخر و مباهات بود. در نظر داشته باشیم که، جامعه عشایری یک جامعه مکانیکی به حساب می‌آید؛ به همین دلیل، خصلت فرد و جامعه، جدایی‌ناپذیر است و هر یک از آحاد جامعه، صاحب شخصیت و موجودیت هستند؛ بنابراین شجاعت و ننگ یک نفر، شجاعت و ننگ جامعه محسوب می‌شود. هر کس که، می‌توانست به این صفات دست یابد، پاداش سلحشوری خود را از جامعه می‌گرفت. چیزی شبیه آنچه، به عنوان مدال، برای قهرمانان امروز، در نظر گرفته می‌شود. لذا، نظارت اجتماعی اجازه نمی‌داد، تا هر کس، به ترجیح و دلخواه خود و از روی تفاخر، بر گور عزیز از دست رفته‌اش این نماد را قرار دهد. برای این امر، کنترل‌های اجتماعی وجود داشت، که پذیرش اجتماعی، یکی از مهم‌ترین این کنترل‌ها بود. اگر کسی می‌خواست به گزاف، بر گور کسان خود، کیلی بگذارد، قانون نانوشته‌ای در عرف وجود داشت، که شایستگی شخص را تعیین می‌کرد. قضاوت عمومی، مهم‌ترین عاملی بود که، بر این کار نظارت داشت. مبادرت به امری خلاف پذیرش جامعه، سرزنش شدید را در پی داشت. لذا، هیچ طایفه‌ای بی‌گدار، سر و کار خود را به چنین قضاوتی نمی‌انداخت (کرمی، ۱۳۹۲: ۷۸). در زندگی ایلیاتی، داستان زندگی هر کس، از بدو تولد تا لحظه مرگ، چون آینه‌ای مشخص و در برابر دیدگان جامعه آشکار بود. لذا، کسی نمی‌توانست عزیز درگذشته خود را خارق‌العاده یا چیزی فراتر از آنچه زیسته است، جلوه دهد، یا داستانی خلاف واقع، از او روایت کند. زندگی‌ها شفاف و سرگذشت متوفیان در قضاوتی موشکافانه قرار داشت. اندازه و جای گور، به تناسب جایگاه و موقعیت اجتماعی فرد در زمان حیاتش، بستگی داشت؛ به همین لحاظ، اکثر گورها و سنگ مزارها دارای تنوع

در اندازه، نقش و مکان هستند.

در مقایسه‌ای که میان نقوش سنگ قبرهای اسلام آباد غرب با سنگ قبرهای دارالسلام شیراز و کوه‌دشت لرستان و آبدانان صورت گرفت، به این نتایج رسیدیم که، قبرهای اسلام آباد از نظر تصویری، بسیار غنی و متنوع هستند و شباهت بیش‌تری با قبرهای کوه‌دشت و آبدانان دارند. در حالی که، تنوع کتیبه‌نگاری قبور دارالسلام، بسیار بیش‌تر از قبرهای اسلام آباد است. تصاویر قبرهای اسلام آباد و آبدانان، در مقایسه با نمونه‌های دارالسلام شیراز، دنیوی‌تر هستند و به حوادث زندگی دنیوی فرد متوفی مربوط می‌شوند. به نظر می‌رسد، هنر‌مندان کرمانشاه در ترسیم نقوش، به حیاط اخروی فرد متوفی و طلب آمرزش، به افتخارات و حوادث زندگی دنیوی او، بزرگ‌نمایی شخصیت و حسرت از دست دادن وی و ترسیم جز به جز نقوش، بیش‌تر توجه داشتند. البته، نباید شیوه معیشت ساکنان این گورستان‌ها را از نظر دور داشت؛ چرا که جوامع سیار، در مقایسه با جوامع یکجانشین، از جهان بینی و فرهنگ مجزایی برخوردار بوده‌اند که به وضوح، در هنر و صنایع دستی آنان، انعکاس یافته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به معرفی و بررسی چهار گورستان متأخر اسلامی پرداخته شد. و نقوش روی سنگ قبرهای آن‌ها نیز به صورت مفصل، با نقوش سنگ قبرهای گورستان‌های معاصر دارالسلام شیراز، کوه‌دشت لرستان و آبدانان ایلام مقایسه گردید. سنگ قبور ایل گوران شهرستان اسلام آباد به لحاظ قدمت، نگرش‌ها و باورهای عامیانه، حجاران و استادکاران، نوشته‌ها و نقوش «نقوش روزمره، حماسی و پهلوانی، سوگ و سوگواری و نمادین و اسطوره‌ای» بررسی شد. در تمامی گورستان‌ها، سنگ قبرهایی به چشم می‌خورد که، حاوی تصاویر هستند. این تصاویر، شامل تصویر انسان، حیوان، گیاه، ابزار و ادوات گوناگون می‌شوند. با مقایسه اجمالی تصاویر این گورستان‌ها با گورستان‌های معاصر در سایر نقاط ایران در می‌یابیم که نقوش گورهای ایل گوران اسلام آباد، تفاوت‌ها و شباهت‌های چشمگیری با نقوش گورستان‌های دیگر نقاط ایران دارند. این تفاوت‌ها را می‌توان به اجمال چنین بیان کرد:

۱ - در نقوش انسانی سنگ مزارهای اسلام آباد، مردان

مرتبط به کار رفته‌اند. در حالی که، در گورستان‌های نام برده، تصویر حیوانات، روی بعضی از سنگ قبرها به تنهایی ترسیم شده‌اند. ۳- کتیبه‌های قبرستان دارالسلام شیراز، نسبت به کتیبه‌های قبور اسلام آباد، کوهدشت و آبدانان از تنوع بیش تری برخوردار بوده‌اند. به صورتی که، در دارالسلام تمرکز هنرمند، بیش تر روی نوشته و تجملی کردن آن بوده و تصویر چندان در اولویت نبوده است؛ در حالی که، در اسلام آباد کرمانشاه تمرکز هنرمند، بیش تر بر تصاویر و کتیبه‌های مذهبی در قالب آیات قرآنی و اسماء مقدس بوده است. به احتمال زیاد، مهم‌ترین دلیل این گونه تفاوت‌ها و شباهت‌ها، تفاوت در سبک زندگی و معیشت مردم ایل گوران کرمانشاه و نقاط مورد مقایسه بوده است؛ چرا که ساکنان ایل گوران کرمانشاه، همانند مردمان قبرستان آبدانان و کوهدشت در این دوره، جزو جوامع سیار، و ساکنان قبرستان شیراز با توجه به تفاوت‌های یک جانشین، بوده‌اند.

بالباس قاجاری و زنان با موهای بلند، به تصویر کشیده شده‌اند. در حالی که، نقوش انسانی در قبرستان دارالسلام شیراز، بسیار کم‌تر هستند و تفاوت اساسی دارند. نقوش انسانی در گورستان‌های کوهدشت لرستان و آبدانان ایلام، بیش ترین شباهت را با گورستان اسلام آباد دارند. تصاویر انسانی سنگ قبور شهرستان اسلام آباد کرمانشاه، عموماً در صدد بیان موضوعی مربوط به یک مراسم است. ترسیم تصویر انسان روی سنگ گور در دوره اسلامی، چندان پسندیده نبود. در حالی که، در اسلام آباد کرمانشاه بیش ترین نقش را در میان سایر نقوش دارد. ۲- نقوش حیوانی -بزکوهی، گوزن، شیر و اسب- و ابزار و ادوات، روی گورهای ایل کلهر اسلام آباد، همانند قبرستان آبدانان بسیار متنوع‌تر از نقوش گورستان‌های کوهدشت و دارالسلام هستند. نقوش حیوانی قبرهای اسلام آباد کرمانشاه، هیچ‌گاه به تنهایی ترسیم نشده‌اند و همواره، با نقش انسانی و بافت موضوعی

پی‌نوشت‌ها

۱- شاه آباد نام سابق شهر اسلام آباد غرب است.

- 2- Barzeh
3- chafteh
4- chenar

- ۵- سردل و سند: سنگ نصب شده بر روی قبور در گورستان‌ها که نام و تاریخ مرگ متوفی حک شده و در اصطلاح محلی سردل و تفاوت آن با سند که به صورت کتیبه نگاشته می‌شود؛ در نحوه نگارش و اجرا آن است.
۶- Taoon: در اصطلاح بومی منطقه، به دارقالی گفته می‌شود.
۷- Parseh, chamr: مراسم سوگواری برای شخص متوفی را پرسه یا چمر گویند.
۸- Hlprkeh: رقص محلی مناطق کردنشین را هلپر که می‌گویند.
۹- kiel: کیل، سنگ قبرهای عمودی شکل که ارتفاع آن‌ها حدوداً دو متر، و نمادی از دلوری، شجاعت و بزرگی متوفی بود، که بازماندگان به یاد و خاطره‌اش برپایه داشتند.
۱۰- کل: بزکوهی، که نقش مهمی در زندگی عشایر و کوچ‌نشین ایل گوران در منطقه داشته است.

منابع

- پور کریم، هوشنگ (۱۳۴۲). «سنگ مزارهای ایران»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۱۲، ۳۱-۳۹.
- پویان، جواد و خلیلی، مژگان (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبرهای قبرستان دارالسلام شیراز»، کتاب ماه هنر، شماره ۹۸، ۹۸-۱۰۷.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸). سنگ قبر، تهران: بنگاه.
- جباری کلخوران، صداقت و خبیری، محمدرضا (۱۳۸۹). «بررسی سنگ نبشته‌های تاریخی شهرستان یزد (سنگ قبور قرون ۵ تا ۱۳ هجری) با تأکید بر ویژگی‌های گرافیکی آن»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۵، ۶۳-۷۲.
- خسرونژاد، پدram (۱۳۷۷). «سنگ مزارها از پنجره مردم‌شناسی هنر»، کتاب ماه هنر، شماره ۱، ۲۳-۲۶.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۷). سرزمین و مردم ایران، تهران: علم و زندگی.
- فقیه میرزایی، گیلان؛ مخلصی، محمدعلی و حبیبی، زهرا (۱۳۸۴). تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، تهران: شابک.

- فیضی، مهسا و فیضی، نسیم (۱۳۹۲). «معرفی و بررسی باستان‌شناختی نقوش قبرها در گورستان‌های اسلامی بخش مرکزی شهرستان آبادان»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۴، شماره ۴۰ و ۴۱، ۴۷-۶۷.
 - غنی‌نژاد، فهیمه (۱۳۷۹)، «فسانه است و افسون»، کتاب ماه هنر، شماره ۲۸، ۴۴-۴۷.
 - کرمی، فریدون (۱۳۹۲). «معرفی مفاهیم نقوش سنگ مزارهای تاریخی منطقه گوران کرمانشاه، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
 - کبیرصابر، محمد باقر (۱۳۹۱). «آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه تبریز- ریشه‌یابی و تبیین دلایل وجودی»، باغ نظر، دوره ۹، شماره ۲۳، ۷۵-۸۲.
 - محسنی، حسین و سروقدی، محمد جعفر (۱۳۷۵). «باستان‌شناسی و هنرماد، تهران: عفاف.
 - مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمد علی و جوادی، شهره (۱۳۹۲). «مزار پیر مراد، منظر فرهنگی - آیینی شهرستان بانه»، باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۴، ۲۷-۳۸.
 - یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۸۰). «تبارشناسی قومی و حیاط ملی، تهران: فرزانه روز.
- Google earth : 1396